یادداشت

## فساد «آینده» و آینده فساد

ادامه از صفحه اول

اما نکته جالب و شایان تأمل این پرونده، آن است که به دنبال انتشار این سخنان، نه او به عنوان مفتری به مراجع قضائی احضار شده و نه هیچ‌کسی اقدام به بررسی کرده که آن ۹۰ نفر نماینده حامی مدیرعامل متخلف چه انگیزه‌ای از این حمایت خود داشته‌اند. اخباری مشابه آنچه ذکر شد، نشان می‌دهد بانک مرکزی به عنوان یک نهاد تخصصی، تحت فشار «عوامل بیرونی» از انجام وظیفه خود بازمانده است. از این‌رو، خطای اصلی متولیان این نهاد آن است که این دخالت‌ها را به صورت شفاف در سطح جامعه فریاد نزده و با این سکوت معنادار، در این جرم بزرگ مشارکت کرده‌اند.

۳. با نگاهی به کارنامه گذشته می‌توان دریافت رویکرد مسئولان در برخورد با تخلفات بانکی از نوع تخلفات بانک آینده که زیان انباشته هنگفت ایجاد کرده است، فقط یک سرفصل دارد: ادغام. مؤسسه زیان‌ده که صاحبانش منابع مالی را غارت کرده و تابلوی آن را همچون پوسته شکلات سر راه انداخته‌اند، در یک بانک معتبر کشور ادغام و با استفاده از منابع مالی بانک، زیان تحمیلی غارتگران جبران می‌شود. به همین دلیل کارشناسان نگران هستند که با ادغام بانک آینده در بانک ملی، این بانک هم در آینده نزدیک دچار «ناترازی» شود؛ همان‌گونه که اینک بانک سپه با مشکلاتی روبه‌رو شده است. مسئولان بانک مرکزی می‌گویند با این ادغام، بدهی و زیان انباشته به بانک ملی منتقل نمی‌شود، ولی این گفته‌ها نگرانی کارشناسان را برطرف نمی‌کند؛ زیرا آنان به‌خوبی با ترفندهای غارتگران منابع بانکی و مهارت بی‌بدیل آنها در حساب‌سازی آشنا هستند. تنها راه چاره برای گریز از انتقال زیان، شفافیت حداکثری فرایند ادغام است.

۴. زیانی که بانک آینده به اقتصاد کشور تحمیل کرده است، فقط رقم زیان انباشته به روایت صورت‌های مالی آن نیست که مسئولان بانک مرکزی معتقدند به بانک ملی تحمیل نمی‌شود؛ به بیان دیگر فرض کنیم واقعا زیانی به بانک ملی منتقل نشود و دارایی‌های بانک منحل‌شده در حدی باشد که بتواند بدهی‌ها را تمام و کمال پوشش بدهد، در این صورت تکلیف زیانی که این بانک با «رفتار پرخطر مالی» به اقتصاد ملی تحمیل کرده، چه می‌شود؟ گفتنی است ۲۶ درصد از افزایش حجم نقدینگی در سال‌های اخیر نتیجه هنرنمایی مدیران این بانک بوده و تورمی که دودش به چشم اقتصاد ملی رفته، بنیان تولید ملی را درهم شکسته و گروه کثیری از خانوارهای ایرانی را به زیر خط فقر برده است.

۵. حکمرانی خردمندانه ایجاب می‌کند متخلف از محل انجام تخلف هرگز نباید منتفع بشود. به عنوان مثال، اگر فردی مرتکب اختلاس صد ریالی شود و او را ۸۰ ریال جریمه کنیم، روشن است که او از انجام تخلف منتفع شده و براساس محاسبات ساده خود به این نتیجه می‌رسد که اگر قصد ثروت‌اندوزی صد ریالی دارد، باید ۵۰۰ ریال اختلاس بکند. همان‌گونه که در سیاست بین‌الملل هم می‌گوییم، کشور متجاوز نباید از انجام رفتار متجاوزانه بهره‌مند بشود، زیرا این بهره‌مند دیگر کشورها را هم به تکرار این تجربه خون‌بار تشویق می‌کند. از این‌رو، باید نتیجه واقعی تخلفات بانک آینده در تراز مالی سهامداران بررسی شده و راه هرگونه منتفع‌شدن از این تخلفات بر آنان و هر فرد دیگری بسته شود؛ وگرنه انحلال بانکی که منابعش توسط خودی‌ها غارت شده و هرکدام به‌طور متوسط بیش از دو هزار میلیارد تومان وام گرفته و پس نداده‌اند، فقط پاک‌کردن صورت‌مسئله و تبرئه متخلفانی است که بزرگ‌ترین جفا را در حق مردم صبور این کشور کرده‌اند.

۶. روش همیشگی متخلفان بانکی این است که در گام اول، بانک راه انداخته و منابع نقدی گردآمده را به خودشان وام می‌دهند. در گام دوم، بخشی از این پول غیب می‌شود و با بخشی دیگر املاک قابل توقیف خریداری می‌شود. در گام پایانی هم در مقابل بدهی‌های نجومی این املاک را با قیمتی غیرواقعی به ملت «می‌اندازند». از این‌رو، اینکه مسئولان بانک مرکزی از کافی‌بودن دارایی‌های بانک در مقایسه با بدهی‌ها سخن می‌گویند، بسیار نگران‌کننده است. به همین دلیل نگارنده قویا توصیه می‌کند در ارزیابی املاک موضوع بحث فقط و فقط شیوه برگزاری مزایده برای کشف قیمت مورد عمل قرار گیرد و به ارزیابی‌های کارشناسانه، آن‌هم در شرایط رکود بازار املاک، هرگز اعتماد نشود.

## دوگانه‌سازی اجتماعی حول پرونده سوپراستار

ادامه از صفحه اول

به‌جای تمرکز بر جرم و عمل مجرمانه، تمرکز را به سمت «سبک زندگی» شاکی تغییر می‌دهد و به طور ضمنی القا می‌کند که چنین سبک زندگی‌ای، خود مولد جنایت است. این نگرش، امنیت را به امری مشروط به انطباق با سبک زندگی رسمی تقلیل می‌دهد و با ادبیاتی مبتنی بر «دیگرسازی» (Othering)، جامعه را به دو گروه «ما» (پاکدامن و ارزشی) و «آنها» (فاسد و مدرن) تقسیم می‌کند. این لبه از قیچی، با سوءاستفاده از یک پرونده قضائی، که هنوز صرفا در مرحله ایراد اتهام است، به دنبال اثبات این گزاره است که هرگونه عدول از هنجارهای رسمی، جامعه را به تباهی می‌کشاند و راه‌حل، نه اجرای عدالت، بلکه تشدید محدودیت‌ها و اجبارهاست. در نقطه مقابل، لبه دوم قیچی قرار دارد. این جریان که اغلب خود را فمینیست یا مدرن‌گرا معرفی می‌کند، در واکنش به سال‌ها محدودیت در انتخاب پوشش و اجبار سبک زندگی رسمی، به نقطه‌ای رسیده است که اصل حجاب (و نه صرفا اجبار آن) را به عنوان نماد تام و تمام سرکوب و ظلم به زنان ایرانی بازتعریف می‌کند. این جریان نیز به نوبه خود در بحث‌ها در شبکه‌های اجتماعی، از پرونده اخیر برای پیشبرد روایت خود استفاده کرد و تصویر نمادین و متناقض‌نمای گزارش جنجالی هم‌میهن در همین زمینه تفسیرپذیر است. به عبارت دیگر می‌توان گفت که این نمادسازی (استفاده از چادر برای قربانی تجاوز) ابزاری در راستای تقلیل زن محجبه به «قربانی» و درعین‌حال تلاشی برای مصادره رنج قربانی برای نکوهش نمادین یک نوع پوشش مذهبی است. این مغالطه تقلیل‌گرایانه (Reductionism)، یک پدیده چندوجهی (حجاب) را که برای میلیون‌ها زن ایرانی می‌تواند معنای مذهبی، فرهنگی، هویتی یا انتخابی آگاهانه داشته باشد، به یک معنای واحد (ابزار سرکوب سیاسی) تقلیل می‌دهد. این رویکرد، «عاملیت» (Agency) زنانی را که آگاهانه حجاب را انتخاب می‌کنند، نادیده می‌گیرد و آنها را یا «قربانی» ناآگاه یا «همدست» سرکوبگر می‌خواند. این صورت‌بندی از زن پوشیده، شباهت نگران‌کننده‌ای با بازنمایی‌های غربی و کلیشه‌های شرق‌شناسانه دارد که در آن، زن مسلمان پوشیده، موجودی «منفعل»، «تحت ستم» و «فاقد صدا» تصویر می‌شود که نیازمند نجات از بیرون است. حتی زمانی که برخی رسانه‌های فارسی‌زبان غربی، در پوشش همین پرونده، تصاویری از متهم با ظاهری مذهبی (چهره‌ای با ریش) را برجسته می‌کنند، در حال تکمیل همین پازل دیگرسازی هستند؛ این بار، «مرد مذهبی» به عنوان نماد ریاکاری یا خطر بالقوه بازنمایی می‌شود. خطرناک‌ترین پیامد این نگرش، ایجاد شکاف در میان خود زنان است. با «ابزار سرکوب» خواندن حجاب، این جریان عملا بخش بزرگی از زنان جامعه (زنان محجبه سنتی یا مذهبی) را از دایره آنچه «زنان آزاده» می‌خواند، طرد می‌کند و آنها را در جبهه انتزاعی مقابل خود قرار می‌دهد. این دو جریان افراطی، که در ظاهر مقابل یکدیگرند، در عمل کارکردی واحد دارند: آنها دو لبه یک قیچی هستند که بی‌رحمانه، پیکره واحد جامعه متکثر ایران را پاره‌پاره می‌کنند. اوج این تضاد و خشونت متقابل ناشی از آن را در حوادث تلخ سال ۱۴۰۱ شاهد بودیم. اکنون نیز، یک پرونده قضائی که باید حول محور عدالت، امنیت شاکی و اصل برائت برای متهم می‌چرخید، به ابزاری برای تسویه‌حساب‌های ایدئولوژیک این دو جریان تبدیل شده است. لبه اول قیچی با گره‌زدن جرم ادعایی به سبک زندگی، امنیت را از غیرهم‌فکران خود سلب می‌کند. لبه دوم با گره‌زدن حجاب به سرکوب، احترام و عاملیت را از بخش دیگری از جامعه سلب می‌کند. هر دو نگرش شامل دیگرستیزی و دیگرهراسی است و هر دو، امکان مدارا را از بین می‌برند. راه برون‌رفت از این بن‌بست فرسایشی، در اتخاذ نگرش سومی نهفته است که در هیاهوی این دو قطب، صدایش شنیده نمی‌شود: نگرشی مبتنی بر تکثرگرایی، مدارا و احترام متقابل. نگرشی که می‌پذیرد جامعه ایران، جامعه‌ای متکثر با پیشینه و زمینه مذهبی و البته با گرایش‌های تجددخواهانه است و راه‌حل، نه در حذف دیگری (خواه با اجبار قانونی، خواه با تحقیر نمادین)، بلکه در پذیرش «حق انتخاب» و «احترام به همه سبک‌های زندگی» است. التیام اجتماعی، نه با تشدید تنش‌ها، بلکه با تمرکز بر مشترکات انسانی به دست می‌آید. امنیت در برابر تجاوز و خشونت جنسی، یک مطالبه انسانی مشترک برای «همه» زنان ایرانی است، با هر پوشش و هر سبک زندگی. جامعه ایران بیش از هر زمان دیگری نیازمند گفت‌وگو بر سر مشترکات است، نه تعمیق شکاف‌های اجتماعی و بدل‌کردن هر موضوعی به میدان نبرد نمادین و ایدئولوژیک.

### گزارش «شرق» از خبرهای ضدونقیض مذاکرات و تحرکات معنادار آمریکا

# در برزخ تصمیم‌گیری

**مهدی بازرگان:** در شرایطی که سکون، بن‌بست و بی‌تحرکی بر کل بدنه سیاست خارجی و وزارت امور خارجه ایران سایه افکنده است، این روزها بار دیگر خبرهایی از احتمال ازسرگیری گفت‌وگوهای ایران و ایالات متحده به گوش می‌رسد؛ اخباری متناقض که از یک سو به سفر مقام بلندپایه عمانی به تهران و سپس دیدار مجید تخت‌روانچی، معاون سیاسی وزیر خارجه ایران، در مسقط اشاره دارد و از سوی دیگر با انتشار گزارش‌هایی از سوی رسانه‌هایی چون «بغداد الیوم» و در مقابل، تکذیب رسمی خبرگزاری تسنیم، فضای مبهمی را در تحلیل وضعیت دیپلماسی ایران رقم زده است.

وزارت خارجه عمان روز پنجشنبه در بیانیه‌ای اعلام کرد که بدر البوسعیدی، وزیر خارجه این کشور، میزبان مجید تخت‌روانچی بوده است. در این دیدار، دو طرف ضمن بررسی تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی، بر ضرورت استمرار هماهنگی‌ها و رایزنی‌های منظم میان تهران و مسقط تاکید کردند. طبق این بیانیه، گفت‌وگوها در چارچوب یازدهمین دور رایزنی‌های سیاسی ایران و عمان انجام شده و محور اصلی آن، توسعه همکاری‌های دوجانبه و حمایت از ابتکارهای صلح‌جویانه در منطقه عنوان شده است. به گفته منابع عمانی، دو کشور بر لزوم حل‌وفصل اختلافات از طریق گفت‌وگو، تحکیم ثبات و امنیت منطقه و تقویت مسیرهای صلح عادلانه تأکید کرده‌اند؛ مواضعی که از نگاه ناظران، بار دیگر نقش سنتی عمان را به عنوان میانجی میان تهران و واشنگتن زنده کرده است.

در همین حال، پایگاه عراقی «بغداد الیوم» در گزارشی مدعی شد که در میانه تنش‌های منطقه‌ای و توقف طولانی مذاکرات هسته‌ای، ایالات متحده از طریق عمان پیامی رسمی برای تهران ارسال کرده است. این پیام بنا بر ادعای منابع دیپلماتیک، حاوی تمایل واشنگتن به ازسرگیری گفت‌وگوهای متوقف‌شده از ژوئن (خرداد) گذشته بوده و حتی از «عزم رئیس‌جمهور دونالد ترامپ برای دستیابی به توافقی جدید با جمهوری اسلامی ایران» سخن گفته است. بغداد الیوم همچنین گزارش داد که سفر تخت‌روانچی به مسقط در همین چارچوب انجام شده و او در جریان اقامت کوتاه خود، با وزیر خارجه عمان، معاون او خلیفه الحارثی و نیز محمد عبدالسلام، نماینده جنبش انصارالله و هانس گروندبرگ، فرستاده ویژه سازمان ملل در امور یمن، دیدار و گفت‌وگو کرده است.

در مقابل این گزارش‌ها، خبرگزاری تسنیم به نقل از یک منبع آگاه، ارسال هرگونه پیام از سوی آمریکا به ایران از طریق عمان را تکذیب کرد و نوشت: «چنین خبری صحت ندارد». اسماعیل کوثری، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس هم در واکنش به گزارش بغداد الیوم درباره ارسال پیام آمریکا از طریق عمان برای ازسرگیری مذاکرات، این خبر را «عملیات روانی» دانست و آن را تکذیب کرد.

او با اشاره به بدعهدی‌های مکرر آمریکا گفت: «آمریکایی‌ها زمانی که در حال مذاکره با ما بودند، به مراکز هسته‌ای کشور حمله کردند. ما ده‌ها بار مستقیم و غیرمستقیم با آنها گفت‌وگو کرده‌ایم اما هیچ‌گاه به تعهدات خود پایبند نبوده‌اند». این موضع‌گیری، اگرچه پاسخی صریح به ادعاهای مطرح‌شده بود، اما از دیدگاه ناظران، نه‌تنها از حجم گمانه‌زنی‌ها نکاسته، بلکه بر ابهام فضای دیپلماتیک افزوده است.

### سفر کوتاه، اما موفقیت‌آمیز!

در کنار این گمانه‌زنی‌ها، مجید تخت‌روانچی، معاون سیاسی وزارت خارجه پس از بازگشت از عمان به تهران در سخنانی تأکید کرد: «این سفر کوتاه، اما موفقیت‌آمیز بود و سلطنت عمان شریک اساسی و همسایه‌ای قابل اعتماد برای ایران به‌شمار می‌رود». این دیپلمات ارشد کشورمان، روابط تهران و مسقط را «ریشه‌دار و مبتنی بر اعتماد متقابل» توصیف کرد و گفت: «تداوم مشورت‌های منظم با برادران عمانی درباره مسائل حساس منطقه‌ای ضروری است».

روانچی در بخش دیگری از سخنانش اشاره کرد: «پرونده هسته‌ای نیز از محورهای اصلی گفت‌وگوها بوده و تهران مواضع خود را با صراحت و شفافیت بیان کرده است». معاون وزیر خارجه ایران تصریح کرد: «هرگونه مذاکره‌ای که نتایج آن از پیش تعیین شده باشد، بی‌معناست» و با انتقاد از سیاست‌های واشنگتن افزود: «اسرائیل جنگ خود علیه ایران را در میانه مذاکرات آغاز کرد، اقدامی که خیانت به روند گفت‌وگوها بود».

از سوی دیگر بدر البوسعیدی، وزیر خارجه عمان، در بیانیه‌ای پس از دیدار با تخت‌روانچی گفت که «دو طرف درباره روابط دوجانبه و تحولات منطقه‌ای گفت‌وگو کردند» و بر اهمیت «حل اختلافات از راه‌های مسالمت‌آمیز و از طریق گفت‌وگو» تأکید کرد. این اظهارات در حالی مطرح می‌شود که عمان در سال‌های گذشته نقشی کلیدی در میانجیگری‌های منتهی به توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ ایفا کرده بود و اکنون نیز به نظر می‌رسد بار دیگر در پی احیای همان نقش سنتی خود است.

**در حالی که در هفته‌های گذشته کانال قاهره برای میانجیگری بین ایران و غرب فعال بوده، بار دیگر عمان در حال آزمودن نقش دیرینه خود به‌عنوان «پل ارتباطی خاموش» میان تهران و واشنگتن است؛ نقشی که اگرچه بارها در گذشته نتیجه‌بخش بوده، اما در فضای کنونی پر از بی‌اعتمادی، بیش از هر زمان دیگری نیازمند اراده سیاسی واقعی از دو سوی منازعه است**

### از کانال قاهره تا کانال مسقط

تحرکات اخیر مسقط در شرایطی صورت می‌گیرد که فضای سیاست خارجی تهران به‌ویژه پس از بازگشت تحریم‌ها و قطع ارتباط مستقیم با غرب، حالتی ایستا و بی‌برنامه یافته است. بسیاری از تحلیلگران معتقدند وزارت خارجه ایران در ماه‌های اخیر از ابتکار عمل خالی شده و واکنش‌های آن بیشتر در قالب موضع‌گیری‌های رسمی و نه اقدامات راهبردی تعریف شده است. در چنین وضعیتی، هر نشانه‌ای از تحرک دیپلماتیک، حتی اگر در سطح سفرهای ادواری و بیانیه‌های کلی باشد، می‌تواند بازتابی از تلاش پنهان برای بازگشت به مسیر گفت‌وگوها تلقی شود؛ تلاشی که فعلا نه تأیید شده و نه تکذیب قاطع آن از سوی هیچ‌یک از طرفین دیده می‌شود. به نظر می‌رسد در حالی که طی هفته‌های گذشته کانال قاهره برای میانجیگری بین ایران و غرب فعال است، بار دیگر عمان در حال آزمودن نقش دیرینه خود به عنوان «پل ارتباطی خاموش» میان تهران و واشنگتن است؛ نقشی که اگرچه بارها در گذشته نتیجه‌بخش بوده، اما در فضای کنونی پر از بی‌اعتمادی، بیش از هر زمان دیگری نیازمند اراده سیاسی واقعی از دو سوی منازعه است. در نهایت، اگرچه خبرهای ضدونقیض همچنان ادامه دارد، اما نفس تکرار نام عمان در معادله ایران و آمریکا شاید خود نشانه‌ای از آن باشد که دیپلماسی، هرچند آهسته و محتاطانه، هنوز نفس می‌کشد.

هم‌زمان مصری‌ها هم در تکاپو هستند. در همین باره روز جمعه، وبگاه وزارت خارجه مصر نوشت که دو تماس تلفنی بین دکتر بدر عبدالعاطی، وزیر امور خارجه مصر و آقای عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران و آقای «رافائل گروسی»، مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، روز پنجشنبه، ۳۰ اکتبر، انجام شد. این تماس‌ها در چارچوب پیگیری تحولات پرونده هسته‌ای ایران و تلاش برای حمایت از امنیت و ثبات در منطقه با یافتن راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز برای موضوع هسته‌ای ایران انجام شد. طبق این وبگاه، عبدالعاطی بر اهمیت ادامه گفت‌وگو بین دو طرف و ازسرگیری و تقویت همکاری بین ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، براساس توافق‌نامه امضاشده در قاهره در ۹ سپتامبر و تلاش برای تشدید تماس‌ها بین طرف‌های ذی‌ربط در دوره آینده تأکید کرد. براساس این گزارش، این تماس‌ها به دستور رئیس‌جمهور مصر برای تلاش برای کاهش تنش و دستیابی به آرامش در منطقه خاورمیانه انجام می‌شود.

### روی دیگر سکه تحولات

در حالی که تحرکات دیپلماتیک پیرامون ایران بار دیگر خبرساز شده است و از ارسال پیام ترامپ به تهران برای مذکره سخن گفته‌اند، روی دیگر این تحولات به افزایش فشارهای آمریکا علیه تهران بازمی‌گردد. خبرگزاری رویترز گزارش داده که واشنگتن در ادامه کارزار «فشار حداکثری» دولت ترامپ، «جان هرلی»، معاون وزیر خزانه‌داری در امور تروریسم و اطلاعات مالی را راهی خاورمیانه کرده است. هدف از این سفر، هماهنگی اقدامات با متحدان منطقه‌ای برای جلوگیری از دورزدن تحریم‌های ایران و مسدودکردن مسیرهای مالی مرتبط با آن عنوان شده است.

این نخستین سفر هرلی به منطقه از زمان تصدی این سمت است و طبق اعلام رویترز، او قرار است در کشورهای امارات متحده عربی، ترکیه و لبنان با مقام‌های بلندپایه دیدار کند و سپس راهی اسرائیل شود. هرلی در بیانیه‌ای پیش از آغاز سفر خود ادعا و تأکید کرده که رئیس‌جمهور آمریکا به‌صراحت خواستار اعمال فشار پایدار و هماهنگ علیه فعالیت‌های «بی‌ثبات‌کننده ایران» در منطقه شده است. او در یک ادبیات صدایرانی مدعی شد واشنگتن به دنبال همکاری نزدیک با شرکای خود برای جلوگیری از دسترسی مالی تهران و گروه‌های نیابتی‌اش است؛ گروه‌هایی که به ادعای او، با دورزدن تحریم‌ها، تأمین مالی خشونت و تضعیف ثبات منطقه را دنبال می‌کنند.

در دستورکار سفر هرلی، علاوه بر هماهنگی درباره سیاست‌های فشار اقتصادی، مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم نیز جای دارد. گزارش‌ها حاکی از آن است که در گفت‌وگوهای او با مقامات اسرائیلی، موضوع پیشبرد سیاست فشار حداکثری علیه گروه‌های وابسته به ایران، محور اصلی مباحث خواهد بود. همچنین در دیدار با مقام‌های اماراتی و ترکیه‌ای، همکاری برای مهار نفوذ منطقه‌ای ایران و جلوگیری از دورزدن تحریم‌ها بررسی می‌شود.

کارزار فشار حداکثری که دولت ترامپ از فوریه سال جاری میلادی (زمستان ۱۴۰۳) دوباره احیا کرده، با هدف رساندن صادرات نفت ایران به صفر و جلوگیری از دسترسی تهران به منابع مالی بین‌المللی دنبال می‌شود. واشنگتن مدعی است این فشارها برای ممانعت از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای طراحی شده است؛ ادعایی که تهران آن را رد کرده و تأکید دارد برنامه اتمی‌اش صرفا اهداف صلح‌آمیز را دنبال می‌کند.

رویترز یادآور می‌شود این سفر در حالی انجام می‌شود که هم‌زمان، مارک ساویا، نماینده آمریکا در عراق که به‌تازگی از سوی ترامپ به این سمت رسیده نیز در اظهاراتی مدعی شده واشنگتن حضور گروه‌های مسلح خارج از کنترل دولت بغداد را نمی‌پذیرد. به گفته او، «ثبات و شکوفایی عراق در گرو نیروهای امنیتی یکپارچه و تحت فرمان دولت است». مجموعه این مواضع و سفرها نشان می‌دهد ایالات متحده درصدد است جبهه‌ای هماهنگ‌تر برای مهار نقش منطقه‌ای ایران شکل دهد.

### تمایلی به مذاکرات مستقیم با واشنگتن نداریم، اما می‌توانیم به توافقی برای مذاکرات غیرمستقیم برسیم

در میانه این معادلات پیچیده و در عین حال مبهم، عباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، در تازه‌ترین گفت‌وگویی که با شبکه الجزیره انجام داده، با تأکید بر آمادگی کامل ایران در برابر هرگونه اقدام متجاوزانه رژیم صهیونیستی، عنوان کرد: «ما برای همه احتمالات آماده‌ایم و هرگونه تجاوز از سوی اسرائیل را پیش‌بینی کرده‌ایم. در بالاترین سطح آمادگی دفاعی قرار داشته و اطمینان داریم که رژیم صهیونیستی در هر جنگ آینده با شکست دیگری روبه‌رو خواهد شد». سکان‌دار دیپلماسی افزود: «ایران از جنگ گذشته تجربه‌های ارزشمندی اندوخته و توانسته است موشک‌های خود را در شرایط واقعی نبرد آزمایش کند».

**دیپلماسی ایران در میانه دو قطب متناقض در نوسان است؛ از یک طرف تمایل محتاطانه به گفت‌وگو برای مهار بحران‌ها و در طرف دیگر اصرار بر گفتمان تقابل و ترویج نقش قربانی. نتیجه، تکرار چرخه‌ای است که در آن «تکرار» و «انفعال» به‌طور هم‌زمان و متناقض در رفتار دستگاه سیاست خارجی کشور دیده می‌شود**

عراقچی با اشاره به اینکه اسرائیل تلاش داشت با حمله به تأسیسات نفتی ایران، دامنه جنگ را به منطقه بکشاند، تصریح کرد: «ما توانستیم این جنگ را مدیریت کنیم و مانع از گسترش آن شویم». او در ادامه، بنیامین نتانیاهو را «جنایتکار جنگی» توصیف کرد و گفت: «اسرائیل بدون حمایت مستقیم آمریکا هرگز قادر به آغاز چنین جنگی نبود». به زعم او: «تحولات اخیر نشان داده که اسرائیل دشمن واقعی منطقه است». وزیر خارجه ایران در بخش دیگری از سخنانش اظهار کرد: «ما آماده مذاکره برای رفع نگرانی‌ها درباره برنامه هسته‌ای خود هستیم و نسبت به ماهیت صلح‌آمیز آن اطمینان داریم. بااین‌حال، واشنگتن شروطی غیرقابل قبول را مطرح کرده که تحقق توافق را دشوار می‌کند». مسئول سیاست خارجی تأکید کرد: «ایران هرگز درباره توان موشکی خود مذاکره نخواهد کرد؛ زیرا هیچ کشوری خلع سلاح داوطلبانه را نمی‌پذیرد». عراقچی ادامه داد: «غنی‌سازی اورانیوم هم متوقف نخواهد شد؛ چراکه آنچه دشمنان ما در میدان جنگ نتوانستند به دست آورند، از مسیر فشار سیاسی نیز محقق نخواهد شد».

او ضمن تأکید بر اینکه تهران تمایلی به گفت‌وگوی مستقیم با واشنگتن ندارد، بیان کرد: «در صورت وجود شرایط متوازن، می‌توان درباره مذاکرات غیرمستقیم اندیشید». عراقچی همچنین درباره خسارات تأسیسات هسته‌ای خبر داد: «مواد هسته‌ای همچنان در محل خود باقی مانده و فناوری هسته‌ای ایران آسیب‌ناپذیر است، گرچه برخی زیرساخت‌ها خسارت دیده‌اند».

او در پایان فعال‌شدن مکانیسم ماشه از سوی اروپا را «غیرقانونی» دانست و تصریح کرد: «هیچ اجماع بین‌المللی علیه ایران وجود ندارد». به گفته عراقچی: «اولویت سیاست خارجی ما، تقویت روابط با همسایگان است و در عین حال آماده تعامل با غرب هستیم، اما نه تحت فشار و دیکته». او بار دیگر تجاوز اسرائیل به سوریه را محکوم و بر حمایت ایران از استقلال و تمامیت ارضی آن کشور تأکید کرد.

### از ادعاهای تکراری تا خلأ ابتکار عمل

اظهارات اخیر عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، بار دیگر تصویری آشنا از وضعیت سیاست خارجی کشور ارائه می‌دهد؛ وضعیتی که در آن نشانه‌ای از ابتکار عمل، تحرک دیپلماتیک یا طراحی راهبردی دیده نمی‌شود. سخنان تکراری او درباره «آمادگی برای همه احتمالات»، «خطر تجاوز مجدد اسرائیل» و «لزوم مذاکره مشروط و غیرمستقیم با غرب» بیش از آنکه حامل پیام تازه‌ای باشد، نشان‌دهنده استمرار یک سیاست منفعل و واکنشی است که تهران را در برزخ تصمیم‌گیری نگه داشته است.

نکته مهم‌تر آن است که عراقچی در مجموعه‌ای از موضع‌گیری‌های خود، چه در قالب مصاحبه یا سخنرانی، تلاش دارد با برجسته‌کردن چندباره «آسیب به تأسیسات هسته‌ای بعد از حملات آمریکا» و «مدفون‌شدن مواد ۶۰درصدی» از حساسیت‌ها و بهانه‌های واهی برای تجاوز مجدد بکاهد، اما هم‌زمان طیفی از نمایندگان رادیکال مجلس با طرح مکرر ایده ازسرگیری فعالیت‌های هسته‌ای یا خروج از تعهدات باقی‌مانده برجام، عملا بر طبل تشنج می‌کوبند. این دوگانگی گفتاری و رفتاری، نه‌تنها راهی به سوی ثبات نمی‌گشاید، بلکه ممکن است زمینه‌ساز حملات و تجاوزات تازه‌ای از سوی دشمنان خارجی شود؛ زیرا هر اظهارنظر نسنجیده یا رفتار هیجانی در داخل، می‌تواند در محاسبات امنیتی منطقه دستاویزی برای اقدام‌های تهاجمی جدید قرار گیرد.

در همین حال، صحنه منطقه‌ای نیز در تعلیق و ابهام مانده است. پیام‌های دیپلماتیک نرم از سوی مسقط که همواره نقش میانجی قابل اعتماد میان تهران و غرب را ایفا کرده، با اعزام هم‌زمان مقام ارشد خزانه‌داری آمریکا به خاورمیانه برای پیگیری سیاست فشار مالی و تحریم‌های هدفمند علیه ایران همراه شده است. این هم‌زمانی، نشانه‌ای روشن از راهبرد دوگانه واشنگتن است؛ از یک سو بازگذاشتن درِ گفت‌وگو از طریق کانال عمان برای حفظ امکان تعامل و از سوی دیگر، تشدید فشار اقتصادی و سیاسی برای تحمیل شرایط جدید به تهران.

در چنین فضایی، دیپلماسی ایران در میانه دو قطب متناقض در نوسان است؛ از یک طرف تمایل محتاطانه به گفت‌وگو برای مهار بحران‌ها و در طرف دیگر اصرار بر گفتمان تقابل و ترویج نقش قربانی. نتیجه، تکرار چرخه‌ای است که در آن «تکرار» و «انفعال» به‌طور هم‌زمان و متناقض در رفتار دستگاه سیاست خارجی کشور دیده می‌شود. اگر این وضعیت ادامه یابد، خطر آن است که ایران نه به عنوان بازیگری تعیین‌کننده، بلکه به عنوان واکنشگر به تحولات شناخته شود؛ کشوری که به‌جای هدایت صحنه، در انتظار تصمیم دیگران است. آینده دیپلماسی تهران در گرو خروج از این سردرگمی و بازتعریف نقش خود در معادله منطقه‌ای و بین‌المللی است.

خبر

قوه قضائیه:

## ویلای متهم پرونده چای دبش به بانک ملت تحویل داده شد

با دستور قضائی، ویلای هشت هزار متری اکبر رحیمی‌درآباد، متهم ردیف اول پرونده چای دبش، به ارزش بالغ بر پنج هزار میلیارد تومان به منظور رد مال به بانک ملت تحویل داده شد تا از بدهی این بانک کسر شود.

به گزارش ایسنا، قوه قضائیه اعلام کرد در ماه‌های گذشته یک ویلا هشت هزار متری مجلل متعلق به اکبر رحیمی‌درآباد، متهم ردیف اول پرونده چای دبش، شناسایی و با دستور قضائی توقیف شد. این ویلا به متراژ هشت هزار مترمربع بوده و سند مالکیت آن با مبلغ بالغ بر پنج هزار میلیارد تومان به نام بانک ملت صادر شده است. اکبر رحیمی‌درآباد این ویلا را به نام یکی از کارمندان خود کرده بود. با دستور قضائی، کارمند مدنظر احضار و مدعی می‌شود که این ویلا در ازای بدهی به او منتقل شده است. در نتیجه تحقیقات مشخص می‌شود این ادعا نادرست بوده و اکبر رحیمی برای فرار از قانون چنین اقدامی کرده و ویلا به دستور قضائی ضبط می‌شود. با حکم قاضی، ویلا به نفع دولت ضبط و به عنوان رد مال به بانک ملت تحویل داده شد تا از بدهی‌های این بانک از شرکت دبش کسر شود.

معاون وزیر کشور:

## اختیارات تفویضی به استانداران، حکمرانی را دچار اغتشاش نمی‌کند

معاون هماهنگی امور اقتصادی و توسعه منطقه‌ای وزارت کشور با بیان اینکه «بعضی از اختیاراتی که به یکپارچگی کشور آسیب نمی‌زند و حکمرانی را دچار اغتشاش نمی‌کند، با یک وسواسی استخراج شدند و نظر تمام مراجع مختلف نیز درباره آنها اخذ شده است تا به استانداران تفویض شوند»، تأکید کرد: درواقع این اختیارات فقط ابزاری هستند که موجب رشد و شکوفایی اقتصادی مناطق می‌شوند.

مهدی دوستی در گفت‌وگو با ایسنا، با اشاره به تفویض برخی اختیارات از سوی هیئت دولت به استانداران عنوان کرد: این اختیارات عمدتا در حوزه اقتصادی است و درواقع ابزارهای توسعه‌ای است که استانداران برای توسعه منطقه خود نیاز دارند. تاکنون ۹ اختیار واگذار شده و ۱۶ اختیار دیگر نیز در دست بررسی است که فکر کنم در هفته‌های آتی به استانداران تفویض شود؛ اختیارات تفویض‌شده، اختیاراتی در حوزه‌های اقتصاد مرز، تسریع در صدور مجوزها و تسریع در جذب سرمایه‌گذار فعالیت‌های اقتصادی در حوزه‌های مرتبط نظیر آبزی‌پروری را شامل می‌شود.

او در تشریح دلایل این تفویض اختیارات گفت: ساختار بوروکراتیک کشور، ساختار سنگینی است و کشور ما نیز بسیار وسیع است؛ بنابراین فرایند انتقال و تصمیم‌گیری کند است. واقعیت دیگر این است که با بوروکراسی نمی‌توان بر بوروکراسی غلبه کرد و این نیاز وجود دارد که مدیران در میدان یک‌سری اختیارات داشته باشند تا بتوانند سریعا تصمیم بگیرند و مسائل کشور را حل کنند. این اختیارات میدانی ابزارهایی است که استانداران می‌توانند در میدان تصمیم بگیرند.

معاون هماهنگی امور اقتصادی و توسعه منطقه‌ای وزارت کشور با اشاره به سیاست‌های وزارت کشور در تمرکززدایی در برخی حوزه‌ها اظهار کرد: در نظام برنامه‌ریزی می‌توان متمرکز برنامه‌ریزی کرد و مسائلی نظیر امنیت ملی و خطوط ازجمله مسائلی هستند که به صورت متمرکز سیاست‌گذاری می‌شوند، اما بعضی از اختیاراتی که به یکپارچگی کشور آسیب نمی‌زند و حکمرانی را دچار اغتشاش نمی‌کند، با یک وسواسی استخراج شدند و نظر تمام مراجع مختلف نیز درباره آنها اخذ شده است تا به استانداران تفویض شوند؛ درواقع این اختیارات فقط ابزاری هستند که موجب رشد و شکوفایی اقتصادی مناطق می‌شوند.